

بررسی تاثیر مهاجرت بر روند شهرنشینی و تراکم نسبی جمعیت استان گیلان

سیده حبیبه میر عبدالعظیمی، مهرداد نوروزی فیروز، صادق اکبری

«ارائه شده در همایش تحلیل یافته‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰- (۵ و ۶ آذر ۱۳۹۲)»

چکیده. میزان مهاجرت از عوامل موثر بر تغییر حجم جمعیت می‌باشد و علاوه بر اینکه موجب تفاوت نرخ رشد جمعیت در مناطق مختلف می‌شود، بر ساختار سنی و جنسی مناطق نیز تأثیر می‌گذارد. توزیع مکانی جمعیت در سطح استان متأثر از عوامل اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی در مناطق مختلف ناموزون بوده و در برخی مناطق مستعدتر تراکم جمعیت بالاتر می‌باشد. متوسط میزان تراکم نسبی جمعیت در سال ۱۳۹۰ در کشور ۴۶ نفر در هر کیلومتر مربع برآورد شده است و استان گیلان با تراکم نسبی ۱۷۷ نفر در کیلومتر مربع بعد از استان‌های تهران با ۸۹۰ نفر و البرز با ۴۷۱ نفر در هر کیلومتر مربع در رتبه سوم قرار گرفته است. متوسط رشد سالیانه جمعیت استان طی سال‌های ۵۵-۱۳۴۵، ۲/۱ درصد و طی سال‌های ۶۵-۱۳۵۵، ۲/۸ درصد بوده که این رشد بیشترین میزان طی ۴۵ سال اخیر بوده است. متوسط رشد سالیانه جمعیت ۰/۷۴ درصد طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ و ۰/۷ درصد در سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ بوده است. متوسط رشد جمعیت سالیانه استان، نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ به ترتیب برابر با ۰/۶۲، ۲/۹۳ و ۲/۳۷- درصد بوده است. در دوره ۵ ساله ۹۰-۱۳۸۵ صرف‌نظر از جابجایی‌های درون استانی در فاصله سال‌های ۸۵ تا ۹۰، تعداد ۵۶۱۰۶ نفر از استان گیلان به سایر استان‌ها و بالعکس ۹۸۰۵۷ نفر از سایر استان‌ها به گیلان مهاجرت صورت پذیرفت که بارقم خالص مهاجرت ۴۱۹۵۱ نفر در زمره استان‌های مهاجرپذیر کشور می‌باشد و به ترتیب بعد از استان‌های البرز، تهران و اصفهان در رتبه چهارم قرار دارد.

واژگان کلیدی. مهاجرت؛ جمعیت شهری و روستایی؛ تراکم نسبی؛

۱- مقدمه

مهاجرت واژه‌ای است که برای انواع حرکات جمعیتی بین قلمروها که منجر به تغییر دائم با نیمه دائم مکان سکونت شود، به کار برده می‌شود. واژه مهاجرت در فرهنگ فارسی معین به معنی جابجایی از موطن خود به جایی دیگر، آمده است. همینطور در لغت‌نامه دهخدا به معنی ترک دیار گفتن و در مکان دیگر اقامت کردن است. مهاجرت به معنی عام عبارت است از ترک سرزمین اصلی و سکونت در سرزمین دیگری به طور دائم یا موقت ولی در مفهوم خاص به عنوان مهم‌ترین تحرک جمعیتی، عبارت است از جابجایی دسته‌جمعی یا انفرادی انسان‌ها به طور دائم بدون قصد بازگشت به مبدأ. در نگاهی به تاریخچه مهاجرت در می‌یابیم که بشر همواره به دنبال یافتن شرایط مناسب برای زندگی و دستیابی به مراتع جهت تغذیه احشام از منطقه‌ای به منطقه دیگر در حال نقل مکان بوده است. در شرایط زندگی امروزی بشر تحت تاثیر عوامل متفاوت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی همواره دنبال تغییر شرایط موجود بوده و به ناچار از نقطه‌ای به نقطه دیگر نقل مکان نموده است. مهاجرت در مباحث مربوط به شهرنشینی هم به عنوان یکی از عوامل اصلی رشد شهری و هم به عنوان یکی از عوامل پدیدآورنده مسایل شهری، همواره مطرح می‌شده و مد نظر بوده است. پومابین خاطر نشان ساخته است که در تمام کشورها، زمانی که فرایند شهرنشینی رخ می‌دهد منجر به حرکات قابل توجه جمعیتی می‌شود (پومابین ۲۰۰۶: ۳۳۸). شکل غالب و کلیشه‌ای مهاجرت‌ها، مهاجرت روستا-شهری است هر چند که الزاما بیشترین شکل معمول نیست. این نوع مهاجرت باعث تغییر در ترکیب سنی و جنسی جمعیت در هر دو منطقه می‌شود و رشد بیشتر جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستایی را در پی دارد.

۲- تراکم ناخالص جمعیت (نسبی)

مفهوم تراکم جمعیت که حاکی از رابطه بین تعداد افراد و فضای تحت اشغال آن‌ها می‌باشد، یکی از مفاهیم جغرافیای جمعیت است که بوسیله جغرافیدانان بکار برده شده است. نخستین بار شخصی بنام (هنری دریوری هارنس) در سال ۱۸۳۷ از اصطلاح تراکم جمعیت استفاده کرد. از آن پس اصطلاح تراکم جمعیت به عنوان وسیله‌ای برای ارزیابی

افزایش و کاهش و مقایسه تراکم‌های موجود و بالقوه جمعیت و در نهایت به‌عنوان شاخصی برای مقایسه تراکم‌های مساحتی جمعیت به کار گرفته شد. توزیع مکانی جمعیت در سطح کشور متأثر از عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی در مناطق مختلف ناموزن بوده و در برخی مناطق مستعدتر و برخوردارتر تراکم جمعیت بالاتر می‌باشد. برای سنجش توزیع و تغییرات ناحیه‌ای، تراکم جمعیت را در سطحی معین حساب می‌کنند. متوسط میزان تراکم نسبی جمعیت در سال ۱۳۹۰ در کشور ۴۶ نفر در هر کیلومتر مربع برآورد شده است. استان گیلان در سال ۱۳۹۰ با تراکم نسبی ۱۷۷ نفر در کیلومتر مربع بعد از استان‌های تهران با ۸۹۰ نفر و البرز با ۴۷۱ نفر در هر کیلومتر مربع در رتبه سوم قرار گرفته است. استان‌های یزد، خراسان جنوبی و سمنان به ترتیب با ۸، ۷ و ۶ نفر در کیلومتر مربع کم‌تراکم‌ترین استان‌های کشور می‌باشند.

نتایج و اطلاعات حاصل از ادوار مختلف سرشماری نشان می‌دهد تراکم نسبی جمعیت استان از ۸۷/۷ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۱۷۷ نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است. یعنی طی ۴۵ سال حدود ۹۰ نفر بر این شاخص افزوده شده است و بیشترین افزایش مربوط به دوره ۶۵-۱۳۵۵ می‌باشد که ۳۴ نفر بوده است. وضعیت تراکم نسبی استان گیلان طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ به تفکیک سال‌های سرشماری در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱: وضعیت تراکم نسبی استان گیلان طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰

سال	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
تراکم نسبی (نفر در کیلومتر مربع)	۸۷/۷	۱۰۷/۵	۱۴۱/۵	۱۵۲/۴	۱۷۱	۱۷۷

تراکم نسبی استان گیلان به تفکیک شهرستان‌ها طی دو سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در جدول (۲) آمده است. بر اساس نتایج سرشماری در سال ۱۳۸۵ تراکم جمعیتی شهرستان‌ها از حدود ۶۷۶ نفر در شهرستان رشت تا ۴۴ نفر در

شهرستان‌های رودبار و سیاهکل در تغییر بوده است. همچنین شهرستان بندرانزلی با ۴۳۷ نفر و لاهیجان با ۳۷۳ نفر بیشترین تراکم جمعیتی را بعد از شهرستان رشت دارا بودند.

در سال ۱۳۹۰ نیز همین روند برقرار است و شهرستان رشت با افزایش ۸۲ نفر در کیلومترمربع نسبت به سال ۱۳۸۵ به تراکم ۷۵۶ نفر رسیده است. بعد از رشت هم بندرانزلی، لاهیجان و لنگرود به ترتیب با ۴۶۲، ۴۱۵ و ۳۰۰ نفر پرتراکم‌ترین شهرستان‌ها می‌باشند. شهرستان رودبار با ۴۰ نفر در هر کیلومترمربع و با ۴ نفر کاهش در هر کیلومترمربع نسبت به سال ۱۳۸۵ کم‌تراکم‌ترین شهرستان می‌باشد. بعد از رودبار، سیاهکل با ۴۹ نفر و رضوانشهر با ۹۰ نفر در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۲: وضعیت تراکم نسبی شهرستان‌های گیلان به تفکیک سال (واحد: کیلومترمربع)

شهرستان	۱۳۸۵	۱۳۹۰
آستارا	۱۸۵	۲۰۲
آستانه اشرفیه	۲۶۲	۲۵۰
املش	۱۱۳	۱۰۹
بندرانزلی	۴۳۷	۴۶۲
تالش	۸۲	۸۸
رشت	۶۷۴	۷۵۶
رضوانشهر	۸۲	۹۰
رودبار	۴۴	۴۰
رودسر	۱۱۰	۱۰۷
سیاهکل	۴۴	۴۹
شفت	۱۰۸	۹۸
صومعه سرا	۲۲۸	۲۱۷
فومن	۱۲۵	۹۴
لاهیجان	۳۷۳	۴۱۵
لنگرود	۳۰۶	۳۰۰
ماسال	۷۶	۱۱۳

بر اساس نتایج سرشماری در سال ۱۳۸۵ تراکم جمعیتی شهرستان‌ها از حدود ۶۷۶ نفر در شهرستان رشت تا ۴۴ نفر در شهرستان‌های رودبار و سیاهکل در تغییر بوده است.

همچنین شهرستان بندرانزلی با ۴۳۷ نفر و لاهیجان با ۳۷۳ نفر بیشترین تراکم جمعیتی را بعد از شهرستان رشت داشتند. در سال ۱۳۹۰ نیز همین روند برقرار است و شهرستان رشت با افزایش ۸۲ نفر در کیلومتر مربع نسبت به سال ۱۳۸۵ به تراکم ۷۵۶ نفر رسیده است. بعد از رشت هم بندرانزلی، لاهیجان و لنگرود به ترتیب با ۴۶۲، ۴۱۵ و ۳۰۰ نفر پرتراکم ترین شهرستان‌ها می‌باشند. شهرستان رودبار با ۴۰ نفر در هر کیلومتر و با ۴ نفر کاهش در هر کیلومتر مربع نسبت به سال ۱۳۸۵ کم‌تراکم ترین شهرستان می‌باشد. بعد از رودبار، سیاهکل با ۴۹ نفر و رضوانشهر با ۹۰ نفر در رتبه‌های بعد قرار دارند.

۳- روند شهرنشینی در استان گیلان

بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن طی ۴۵ سال، یعنی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ جمعیت استان گیلان از ۱۲۹۱۱۵۹ نفر به ۲۴۸۰۸۷۴ نفر رسیده است. به این ترتیب در این مدت ۱۱۸۹۷۱۵ نفر و سالانه ۲۶۴۳۸ نفر بر جمعیت استان افزوده شده است که از این تعداد، ۷۸۹۸۷۸ نفر معادل ۶۶/۴ درصد مربوط به سال‌های ۶۵-۱۳۴۵ می‌باشد.

متوسط رشد سالیانه جمعیت استان طی سال‌های ۵۵-۱۳۴۵، ۲/۱ درصد و طی سال‌های ۶۵-۱۳۵۵، ۲/۸ درصد بوده که این رشد بیشترین میزان طی ۴۵ سال اخیر بوده، اما بعد از سال ۱۳۶۵ با کاهش چشمگیر رشد سالیانه جمعیت مواجه بوده است. متوسط رشد سالیانه جمعیت طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ به ۰/۷۴ درصد و در سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ به ۰/۷ درصد و در سال ۱۳۹۰ به ۰/۶۲ درصد رسیده است. متوسط رشد سالیانه جمعیت استان در نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ به ترتیب برابر با ۲/۹۳ و ۲/۳۷- درصد بوده است. بر این اساس استان گیلان ۳/۳ درصد از جمعیت کل کشور را در خود جای داده است که از این نظر رتبه یازدهم را در کشور دارد. بالاترین سهم را استان تهران و خراسان رضوی به ترتیب با ۱۶/۲۱ و ۷/۹۸ درصد دارند و استان‌های سمنان با ۰/۸۴ درصد و ایلام با ۰/۷۴ درصد از کمترین سهم جمعیتی برخوردارند. رشد سالیانه جمعیت استان گیلان در نقاط شهری و روستایی بسیار متفاوت از یکدیگر بوده است. ادغام یک یا چند آبادی به عنوان شهر جدید و جذب آبادی‌های استان در نقاط شهری، همچنین مهاجرت از روستا به شهر،

از جمعیت روستایی کاسته و به تبع آن جمعیت شهری افزایش یافته است و طی دوره ۴۵ ساله ۹۰-۱۳۴۵ همیشه رشد جمعیت شهری مثبت بوده است. با نگاه اجمالی به روند متوسط رشد سالیانه جمعیت در مناطق روستایی دو دوره متفاوت را می‌بینیم. دوره اول در فاصله سال‌های ۵۵-۱۳۴۵ و ۶۵-۱۳۵۵ که به دلیل باروری بالا و مهاجرت کمتر روستاییان به شهرها شاهد رشد مثبت می‌باشیم و دوره دوم که بعد از سال‌های ۱۳۶۵ می‌باشد به دلیل پایین آمدن باروری، مهاجرت روستاییان به شهر، جذب آبادی‌ها به شهر و ایجاد شهرهای جدید رشد منفی داشته است.

جدول ۳: متوسط رشد سالانه و نسبت جمعیتی استان طی سال‌های ۹۰-۱۳۵۵ بر مبنای سال ۱۳۴۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	
متوسط رشد سالانه جمعیت	۲/۰۵	۲/۷۸	۱/۱۶	۰/۳۴	۰/۷	۰/۶۲	کل استان
	۳/۳۲	۴/۴۱	۲/۳۷	۲/۳۶	۱/۹۱	۲/۹۳	نقاط شهری
	۱/۴۴	۱/۸	۰/۲۸	۱/۳۲	۰/۵۳	-	نقاط روستایی
نسبت جمعیتی	۲۳/۵	۲۹/۲	۳۸/۳	۴۶/۸	۵۴/۴	۶۰/۳	نسبت شهرنشینی
	۷۴/۵	۷۰/۸	۶۱/۷	۵۳/۲	۴۵/۶	۳۹/۷	نسبت روستانشینی

نسبت شهرنشینی در شهرستان‌های استان نشان می‌دهد که شهرستان بندرانزلی با ۸۴/۵ درصد، بیشترین نسبت شهرنشینی را در سال ۱۳۹۰ و شهرستان شفت با ۱۵/۲ درصد پایین‌ترین نسبت شهرنشینی را داشته است. به عبارت دیگر پایین‌ترین نسبت روستانشینی متعلق به شهرستان بندرانزلی (۱۵/۵ درصد) و بالاترین آن به شهرستان شفت (۸۴/۸ درصد) تعلق دارد. بعد از شهرستان بندرانزلی، شهرستان‌های رشت، آستارا و لنگرود به ترتیب با ۷۶، ۶۸/۱ و ۶۷ درصد بیشترین نسبت شهرنشینی و شهرستان‌های فومن و رضوانشهر به ترتیب با ۳۳/۳ و ۳۴/۲ درصد کمترین نسبت شهرنشینی را داشته‌اند.

۴- مهاجرت

بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ طی دوره ۵ ساله ۹۰-۱۳۸۵ تعداد مهاجرت‌ها در مجموع ۵۵۳۴۶۶۶ نفر برآورد شده است که سهم گیلان از این تعداد در بخش مهاجران خارج‌شده ۱۸۵۲۳۴ نفر و در بخش مهاجران واردشده ۲۲۷۱۸۵ نفر می‌باشد. به عبارت دیگر فارغ از جابجایی‌های درون استانی در فاصله سال‌های ۸۵ تا ۹۰، ۵۶۱۰۶ نفر از استان گیلان به سایر استان‌ها مهاجرت داشته و بالعکس ۹۸۰۵۷ نفر از سایر استان‌ها وارد استان گیلان شده‌اند. رقم خالص مهاجرت برای این استان ۴۱۹۵۱ نفر بوده است که در زمره استان‌های مهاجرپذیر کشور می‌باشد که از این حیث به ترتیب بعد از استان‌های البرز، تهران و اصفهان در رتبه چهارم قرار دارد. بیشترین مهاجرت‌ها از این استان به ترتیب به استان‌های تهران، البرز، مازندران، قزوین و اردبیل بوده است. میزان مهاجرفرستی عبارت است از نسبت همه افرادی که منطقه‌ای خاص را طی دوره زمانی مشخص ترک می‌کنند، به تعداد کل جمعیت آن منطقه در همان دوره زمانی. تعداد و سهم مهاجرین از گیلان به سایر استان‌ها در جدول (۴) آمده است. از ۹۸۰۵۷ نفر مهاجر واردشده از سایر استان‌ها به گیلان بیشترین سهم به ترتیب مرتبط با استان‌های تهران، البرز، اردبیل، قزوین و مازندران می‌باشد. لازم به ذکر است که از کل مهاجران تعداد ۱۷۰۳ نفر استان محل اقامت قبلی آنها نامعین بوده و ۴۳۰ نفر نیز از خارج کشور وارد استان گیلان شده‌اند. تعداد و سهم مهاجرین واردشده از سایر استان‌ها به گیلان در جدول (۵) آمده است. در مجموع از ۸۶۷۰۵ نفر مهاجر وارد شده طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ از سایر استان‌ها به استان گیلان ۸۳۶۶۳ نفر یعنی معادل ۹۶/۵ درصد از نقاط شهری آنها می‌باشد و بقیه آنها از نقاط روستایی و غیره می‌باشد. با در نظر گرفتن شاخص نسبت مهاجرین واردشده از سایر استان‌ها در این دوره ۵ ساله به جمعیت حاصل از سرشماری سال ۱۳۹۰ دیده می‌شود که ۳/۵ درصد از جمعیت استان را مهاجرین وارد شده از سایر استان‌ها تشکیل می‌دهند. در زمان سرشماری سال ۱۳۹۰ بیشترین مهاجرین واردشده از سایر استان‌ها به میزان ۳۵/۲ درصد در شهرستان رشت اقامت داشته‌اند و در مقابل کمترین مهاجرین واردشده از سایر استان‌ها به میزان ۰/۷ درصد در شهرستان شفت اقامت

داشته داشته‌اند. درصد مهاجرین وارده از سایر استان‌ها به شهرستان‌های لاهیجان، بندرانزلی، لنگرود و رودسر به ترتیب برابر با ۸/۵، ۱۰/۸، ۷/۵ و ۶/۷ درصد می‌باشد. در جدول (۶) مهاجرین وارده از سایر استان‌ها به شهرستان استان گیلان دیده می‌شود.

جدول ۴: میزان مهاجرفرستی، تعداد و سهم مهاجران خارج شده از گیلان به سایر نقاط به تفکیک استان‌ها

استان مقصد	تعداد مهاجر	سهم مهاجرین از کل	میزان مهاجر فرستی
تهران	۱۹۳۴۹	۳۴/۴۹	۷/۸
البرز	۶۴۲۱	۱۱/۴۴	۲/۶
مازندران	۵۵۲۹	۹/۸۵	۲/۲
قزوین	۳۷۲۶	۶/۶۴	۱/۵
اردبیل	۲۶۸۱	۴/۷۸	۱/۱
هرمزگان	۲۱۷۸	۳/۸۸	۰/۹
اصفهان	۱۷۱۷	۳/۰۶	۰/۷
آذربایجان شرقی	۱۶۲۳	۲/۸۹	۰/۷
مرکزی	۱۵۰۶	۲/۶۸	۰/۶
خراسان رضوی	۱۳۵۴	۲/۴۱	۰/۵
زنجان	۱۲۰۹	۲/۱۵	۰/۵
بوشهر	۹۸۰	۱/۷۵	۰/۴
گلستان	۹۳۶	۱/۶۷	۰/۴
قم	۸۸۹	۱/۵۸	۰/۴
کرمان	۸۳۱	۱/۴۸	۰/۳
فارس	۶۸۷	۱/۲۲	۰/۳
آذربایجان غربی	۶۳۸	۱/۱۴	۰/۳
سایر استان‌ها ۱	۳۸۵۲	۶/۸۷	۱/۶

۱ - سایر استانها شامل مجموع استانهایی با سهم کمتر از یک درصد می‌باشد

جدول ۵: تعداد و سهم مهاجرین وارد شده از سایر استان‌ها به گیلان

استان مبدا	تعداد مهاجر	سهم مهاجرین از کل مهاجرین وارد شده
تهران	۳۴۰۷۱	۳۴/۷۵
البرز	۷۸۳۵	۷/۹۹
اردبیل	۶۳۳۰	۶/۴۶
قزوین	۵۶۰۸	۵/۷۲
مازندران	۵۱۴۷	۵/۲۵
هرمزگان	۳۳۲۲	۳/۳۹
اصفهان	۲۱۰۲	۲/۱۴
خراسان رضوی	۲۰۸۸	۲/۱۳
آذربایجان شرقی	۱۷۹۳	۱/۸۳
زنجان	۱۵۲۵	۱/۵۶
خوزستان	۱۴۸۷	۱/۵۲
قم	۱۴۱۷	۱/۴۵
مرکزی	۱۳۵۳	۱/۳۸
آذربایجان غربی	۱۳۳۹	۱/۳۷
فارس	۱۲۵۸	۱/۲۸
بوشهر	۱۲۳۲	۱/۲۶
کرمانشاه	۱۱۹۳	۱/۲۲
سیستان	۱۱۸۴	۱/۲۱
همدان	۱۰۴۳	۱/۰۶
سایر ۱	۱۱۷۰۳	۱۷/۰۶

۱ - سایر استان‌ها شامل مجموع استان‌هایی با سهم کمتر از یک درصد و اظهار نشده می‌باشد.

جدول ۶ - تعداد و سهم مهاجران وارده از سایر استان‌ها به گیلان به تفکیک شهرستان

نسبت مهاجرین وارده به جمعیت	مهاجرین وارده		شهرستان
	درصد	تعداد	
۳/۵	۳/۵	۳۰۰۳	آستارا
۳/۵	۴/۳	۳۷۳۶	استان‌هاشرفیه
۳/۵	۱/۸	۱۵۳۷	املش
۵/۳	۸/۵	۷۳۶۰	بندرانزلی
۱/۹	۴/۱	۳۵۵۹	تالش
۳/۳	۳۵/۲	۳۰۵۶۳	رشت
۲/۴	۱/۹	۱۶۲۴	رضوانشهر
۳/۷	۴/۳	۳۷۱۴	رودبار
۴/۱	۶/۸	۵۸۶۸	رودسر
۴/۵	۲/۵	۲۱۴۱	سیاهکل
۰/۸	۰/۶	۴۷۷	شفت
۳/۰	۴/۴	۳۸۴۰	صومعه سرا
۲/۲	۲/۴	۲۰۵۵	فومن
۵/۶	۱۰/۸	۹۳۷۹	لاهیجان
۴/۸	۷/۶	۶۵۵۲	لنگرود
۲/۵	۱/۵	۱۲۹۷	ماسال

مهاجرت عمدتاً متأثر از عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی رخ می‌دهد و به طور عمده در قالب‌های جستجوی کار، جستجوی کار بهتر، انتقال شغلی، تحصیل، پایان تحصیل، انجام یا پایان خدمت وظیفه، دستیابی به مسکن مناسب‌تر، پیروی از خانوار و سایر دسته بندی می‌شود. بر مبنای سرشماری سال ۱۳۹۰ در استان گیلان از ۲۲۷۱۸۵ مورد مهاجرت برآورد شده ۵۱/۸۳ درصد به علت پیروی از خانوار بوده که اصطلاحاً مهاجران تبعی نامیده می‌شود. بعد از این عامل دستیابی به مسکن مناسب‌تر و سایر علل و انجام یا پایان خدمت وظیفه به ترتیب با ۱۳ ، ۸/۶۴ و ۶/۱۳ درصد بالاترین سهم را به خود اختصاص داده است . در جدول (۷) سهم مربوط به علل مهاجرت‌ها به استان گیلان آمده است.

جدول ۷: سهم علل مختلف در ورود مهاجران به گیلان به تفکیک زن و مرد

جنس	کل		مرد		زن	
	تعداد	سهم	تعداد	سهم	تعداد	سهم
جستجوی کار	۷۹۰۶	۳/۴۸	۶۹۲۴	۶/۰۲	۹۸۲	۰/۸۸
جستجوی کار بهتر	۸۱۳۳	۳/۵۸	۷۴۶۲	۶/۴۹	۶۷۱	۰/۶
انتقال شغلی	۱۰۲۸۵	۴/۵۳	۹۰۰۳	۷/۸۳	۱۲۸۲	۱/۱۴
تحصیل	۱۴۵۳۸	۶/۴	۷۳۴۳	۶/۳۸	۷۱۹۵	۶/۴۲
پایان تحصیل	۲۲۵۹	۰/۹۹	۱۱۰۱	۰/۹۶	۱۱۵۸	۱/۰۳
انجام یا پایان خدمت	۱۳۹۲۳	۶/۱۳	۱۳۹۲۳	۱۲/۱	۰	۰
دستیابی به مسکن	۲۹۵۲۶	۱۳	۲۳۸۷۵	۲۰/۷۵	۵۶۵۱	۵/۰۴
پیروی از خانوار	۱۱۷۷۴۸	۵۱/۸	۳۲۲۴۸	۲۸/۰۳	۸۵۵۰	۷۶/۲
سایر	۱۹۶۳۱	۸/۶۴	۱۱۵۰۵	۱۰	۸۱۲۶	۷/۲۵
اظهارنشده	۳۲۳۶	۱/۴۲	۱۶۶۸	۱/۴۵	۱۵۶۸	۱/۴

۵- نتیجه گیری

روند رو به رشد شهرنشینی رخ داده در مناطق مختلف استان طی سال‌های اخیر، تغییرات زیادی را در سطح مناطق مختلف استان به وجود آورده است. بین شهرنشینی و توسعه، رابطه‌ی مثبت قوی وجود دارد. امروزه مناطق توسعه‌یافته جهان، دارای جمعیت شهرنشین بالای ۷۰ درصد هستند. کمترین میزان شهرنشینی در مناطقی که کمترین سطح توسعه‌یافتگی را دارند، دیده می‌شود. آمارهای سازمان ملل در سال ۲۰۰۹، این موضوع را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که جمعیت شهرنشین کشورهای توسعه‌یافته ۷۵ درصد، کشورهای در حال توسعه ۴۴ درصد و کشورهای با کمترین سطح توسعه‌یافتگی ۲۷ درصد می‌باشد (سازمان ملل ۲۰۰۹). تودارو در این زمینه می‌نویسد: رابطه مثبت بین شهرنشینی و درآمد سرانه یکی از واضح‌ترین و برجسته‌ترین حقایق روندهای توسعه است. به طور کلی، توسعه بیشتر یک استان، با سنجش درآمد سرانه بالاتر و درصد بیشتر افراد ساکن در شهرها مشخص می‌شود (تودارو ۲۰۰۵: ۳۲۱). نقش مهاجرت به شهرها به خاطر ساختار اقتصادی خاص آنها، قابل توجه است. می‌توان گفت که رشد شتابان جمعیت شهری در

استان ، تا حد زیادی ناشی از سرریز جمعیت روستایی و ادامه حرکت‌های مهاجرتی است که به عواملی بستگی دارد از جمله: ورود آرام صنعت به حوزه‌های کشاورزی، فقدان زمین قابل کشت تا حد مورد نیاز یا بهره‌برداری بیش از حد منجر به فرسایش خاک و نبود اصلاحات لازم در زمینه‌های مختلف، حوادث طبیعی و پیامدهای منفی زیست‌محیطی، سهولت نسبی دستیابی به خدمات اساسی در شهر و غیره که عمده‌ترین پیامد آن در کاهش نرخ موالید به میزان کمتر از حد جایگزینی است که منجر به افزایش نسبت کهنسالان در کل جمعیت استان با پیامدها و نتایج خاص خود است.

مرجع‌ها

- [۱] اردهائی قاسمی، علی؛ حسینی راد، علی (۱۳۸۷). جریان‌های مهاجرت داخلی ایران طی دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵. فصلنامه جمعیت، شماره ۶۶/۶۵.
- [۲] حاج حسینی، حسین (۱۳۸۵). سیری در نظریه های اجتماعی. فصلنامه راهبرد، شماره ۴۱، پاییز ۱۳۸۵، ص ۳۵-۴۶.
- [۳] محمد معین، فرهنگ معین، ج ۴، واژه مهاجرت
- [۴] زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، مهاجرت، تهران: انتشارات سمت.
- [۵] مرکز آمار ایران (۱۳۵۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵، تهران.
- [۶] مرکز آمار ایران (۱۳۶۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵، تهران.
- [۷] مرکز آمار ایران (۱۳۷۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، تهران.
- [۸] مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، تهران.
- [۹] مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، تهران.